

قیام امام حسین (ع) در تاریخ اسلام و مسلمانان از پدیده‌های نقش‌آفرین و تحول‌زا است. تأثیر حادثه مزبور در بسیاری از قیام‌ها و نهضت‌های جهان اسلام انکارناپذیر است. این حادثه نه تنها در پیدایش حوادث سیاسی جهان اسلام تأثیر جدی داشت، بلکه در ساختن فرهنگ و آداب و سنن مردمی نیز نقش برجسته‌ای بازی کرده است. تفاوت فرهنگی که در بین شیعیان و دیگر پیروان اسلام وجود دارد تا حدود زیادی متأثر از حادثه کربلاست. از این رو پژوهش و بررسی پدیده عاشورا و چگونگی گزارش آن، موضوعی حیاتی در زندگی مسلمانان و به ویژه شیعیان است. حادثه یاد شده بنابر نوع گزارش و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌تواند تأثیرات متفاوتی داشته باشد. انتقال درست حادثه موجب شور و حیات و زندگی خواهد شد و گزارش نادرست آن باعث خمودی و سستی در جامعه.

جاذبه و نقش‌آفرینی حادثه کربلا موجب وسوسه در پاره‌ای از علاقه‌مندان ساده‌دل و بخشی از دشمنان دوست‌نما گشته تا با دست‌کاری در گزارش‌های تاریخی و افزودن‌های ناروا و پیرایه‌های ناصحیح، چهره حادثه یاد شده را نادرست و غیر واقعی به نسل‌های آینده خود انتقال دهند. علاقه‌مندان و دل‌سوزان واقعی و آگاه به حوادث تاریخی در زمان‌های گذشته، تلاش خوبی برای پیش‌گیری و یا زدودن پیرایه‌های ناصحیح از چهره حادثه کربلا نموده‌اند و در این راستا آثاری به جای گذاشته‌اند، اما به لحاظ گستردگی تحریفات در گزارش حادثه کربلا و تبدیل گشتن آن به شغل و پیشه‌ای سودآور و وجود پذیرش در جامعه، این تلاش‌ها نتوانستند مانع جدی در برابر سیل تحریفات و انحرافات در گزارش حادثه کربلا ایجاد کند. تلاش محدثان بزرگی چون حاج میرزا حسین نوری نویسنده کتاب ارزشمند *لؤلؤ و مرجان* و کوشش‌های استاد ارجمندی چون مرتضی مطهری هم نتوانسته سودجویان و دنیاطلبان را از بهره‌گیری از حادثه کربلا در جهت

## گزارش‌های

# نادرست از حادثه کربلا

### «انگیزه‌ها و نشانه‌ها»

محمدعلی سلطانی

اهداف دنیوی خود باز دارد. بنابراین، تلاش برای زدودن چهره حادثه کربلا از تحریفات و انحرافات، موضوعی زنده و بایسته است و وظیفه‌ای سنگین بر دوش پژوهشگران حق‌جو می‌باشد. در این نوشته‌نگاهی به انگیزه‌های گوناگون گزارش‌گران خلاف واقع و تحریف‌حادثه کربلا، و روش‌هایی برای شناخت تحریفات مزبور ارائه خواهد شد. بدیهی است نوشته‌نه کاری تازه و نه کاری نهایی است، بلکه تلاشی است در راستای تبیین انگیزه‌ها و ارائه راه‌کارهایی کلی برای شناخت سره از ناسره.

### انگیزه‌های تحریف‌گران تاریخ کربلا

انگیزه تحریف‌گران حادثه کربلا را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: تحریف‌هایی که به انگیزه خیرخواهی و نیت خیر از سوی تحریف‌گران انجام یافته است و تحریف‌هایی که آگاهانه و با انگیزه‌های سودجویانه ایجاد شده است. در گروه نخست جهل و نادانی دلیل عمده تحریف بود و در گروه دوم دنیاطلبی و کاسب‌کاری موجب اصلی تحریفات بوده و است.

انگیزه‌های گروه نخست به شرح ذیل است:

#### ۱. ارائه مظلومیت بیشتر

امام حسین (ع) و یاران آن حضرت در حادثه کربلا در مظلوم‌ترین شکل به شهادت رسیدند. تصور محاصره شدن گروهی محدود به همراه خانواده‌هایشان از سوی سپاهی انبوه و تمام مسلح و ایجاد محدودیت‌های شگفت از قبیل ممنوعیت بهره‌گیری از آب فرات که از کنار آنان می‌گذشت و به شهادت رساندن آنان در شکل دلخراش و جانسوز توسط افرادی که مدعی پیروی بنیانگذار اسلام بودند، به خودی خود حادثه‌ای سرشار از مظلومیت است و همین مظلومیت نقش جدی در بقا و حیات مستمر حادثه در ذهن علاقه‌مندان به آن حضرت داشت. بدیهی است هرچه مظلومیت این حادثه نمود بیشتری پیدا کند، تأثیر عاطفی آن بیشتر خواهد بود و حیات و بقای آن فزون‌تر خواهد شد. پاره‌ای از علاقه‌مندان به آن حضرت از سر دلسوزی و عشق تلاش کردند مظلومیت مزبور را برجسته‌تر و آشکارتر کنند. پیدایش چنین روندی به مرور حادثه یاد شده را با پیرایه‌های نادرستی همراه ساخته است و کم‌کم اصل حادثه فراموش شده و پیرایه‌هایی که به انگیزه ایجاد مظلومیت فزون‌تر ساخته و پرداخته شده است، جای واقعی حادثه کربلا را گرفته است. گزارش‌هایی که در خصوص چگونگی به شهادت رسیدن طفل شیرخوار امام

حسین (ع)<sup>۱</sup> و یا شیوه درخواست آب از سوی اطفال از حضرت ابوالفضل (ع)<sup>۲</sup> و یا موضوعاتی چون ازدواج حضرت قاسم (ع) در کربلا<sup>۳</sup> و نظائر آن که بسیار جان‌سوز و دردآور هستند، زائیده اذهان علاقه‌مندانی هست که در پی ایجاد مظلومیت بیشتر هستند؛ غافل از آن که در گرماگرم این قبیل نقل‌ها اصل هدف امام حسین (ع) گم می‌شود و خواننده و یا شنونده امام حسین (ع) و یاران آن حضرت را انسان‌هایی ضعیف می‌پندارند که تمام هم و غم آنان دست‌یابی به آب و رفع تشنگی بود و اگر این مشکل حل می‌شد، همه مسائل و معضلات مرتفع می‌گشت. چنین کسی هرگز نمی‌تواند عظمت قیام امام حسین (ع) و هدف بزرگ آن حضرت را درک کند.

سازندگان این بخش از تحریف‌ها عموماً از کسانی هستند که از آگاهی کافی برخوردار نیستند و معمولاً قصه‌پردازی‌های آنان مشتمل بر تناقض‌گویی‌های فراوان است و در بسیاری از مواقع به مسائل روشن و بین‌توجه نمی‌کنند.

در بخش نشانه‌های تحریف، به شماری از این دست تناقض‌ها اشاره خواهد شد.

#### ۲. عظمت بخشیدن به خاندان پیامبر (ص)

خاندان پیامبر (ص) به اعتبار انتساب به آن حضرت (ص) و به

۱. توصیف ناصحیح از حادثه ر. ک: المنتخب للطریحی، ص ۴۳۱.

۲. اکسیرالمبارات فی اسرارالشهادت، ج ۲، ص ۴۰۲، شیخ‌آغا بن عابد الشیروانی الحائری، المشهور بفاضل الدربندی، متوفی ۱۲۸۵، دار ذوی القربی، قم، ۱۴۲۰.

۳. اسرارالشهادت، ج ۳، ص ۱۱۰، ج ۲، ص ۳۰۸، وی تصریح می‌کند که ازدواج قاسم در هیچ منبع معتبری نیامده است با این حال می‌گوید درست است وی در این خصوص افسانه‌سرای بسیاری نموده بر این باور است که زن حضرت قاسم پس از شهادت امام حسین (ع) به همراه مادرش به ایران آمده و فرزندی به دنیا آورد که نام قاسم به وی نهادند و بعدها شهید شد و در کنار سر پدرش قاسم بن حسن (ع) که توسط فرمانده سپاه عجم‌ها به ایران منتقل شده و پس از جشن و سرور بسیار در شمال تهران دفن شده بود، مدفون گردید. این افسانه به قدری دور از منطق است که به توصیف نمی‌آید. (اسرارالشهادت، چاپ قدیم، ص ۴۶۴) نویسنده مدینه‌المعاجز، ج ۳، ص ۳۶۹ می‌گوید: موضوع ازدواج قاسم شبیه به اسطوره است.

دشمن را یکصد و پنجاه هزار نفر قلمداد کرده است<sup>۷</sup> و چون این سعد نتوانست همه آنها را دفن کند، به ناچار بزرگان و سرداران را دفن کرد و بقیه را رها نمود. سازنده قصه، فکر نکرده است که ممکن است خواننده روزی در این شمار افراد تدبیر کند و آن را نامعقول بپندارد. و در پی آمده‌ها شدن آن همه اجساد در آن هوای گرم و بیماری‌های ناشی از آن تدبیر کند. در ادامه این گزارش تناقض‌های فراوانی دیده می‌شود. از سویی می‌گوید که اجساد شهیدان کربلا سه روز در قتلگاه رها شده بود و به خاطر تابش خورشید تغییر رنگ یافته بودند و شناخته نمی‌شدند و از سویی دیگر می‌نویسد که زنان بنی‌اسد، دیدند که جنازه‌ها چنان تازه است که گویی در همان ساعت شهید شدند. از سویی از قول امام زین‌العابدین که طبق گزارش از زندان عبیدالله جهت تدفین اجساد آمده بود، نقل می‌کند که خطاب به امام حسین (ع) گفت: ای کاش بودی و می‌دیدي که من اسیر بودم و نتوانستم جهت تدفین حاضر شوم و از سویی دیگر می‌گوید که وی جهت تدفین حاضر شد.<sup>۸</sup>

۴. کتاب «روضه الشهداء» تألیف ملاحسین کاشفی سبزواری متوفای ۹۱۰ هـ. ق است (کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹ ش) این مرد از شگفتی‌های روزگار است. مذهب وی به طور دقیق مشخص نیست. در سخنرانی و نگارش بسیار چیره‌دست بود. ذهنی خلاق و قوی داشت. در هر حوزه‌ای که گام نهاده کاری شگفت کرده است. بهترین تلخیص از مشهور معنوی جلال‌الدین رومی به نام لب‌الباب از این مرد است. در تفسیر، «موهب علیه» را نوشت که در نوع خود قابل توجه است. در ادبیات مخزن‌الأنشأرا نگاهت که بسیار ادیبانه است. در تعزیه خوانی کتاب «روضه الشهداء» را نوشت که در افسانه پردازی در این خصوص بی‌نظیر است. با توجه به نوع کارهایی که وی انجام داده، نمی‌توان به طور قطع درباره او قضاوت کرد. آیا کاشفی جهت تخریب حادثه کربلا چنین تألیفی را پرداخت؟ یا در فکر خدمت به اهل بیت (ع) و ساده‌لوحانه چنین دروغ‌هایی سر هم کرد و یا آن که وی تنها به فکر هنر خود بود و در واقع برای ارضای جاه‌طلبی‌های هنری خود چنین تألیفی را ارائه کرد؟ خود وی می‌گوید: در فکر تهیه متنی مناسب با ذوق فارسی‌زبانان بود. (روضه الشهداء، ص ۷۷) همه این گزینه‌ها محتمل است.

۵. نویسنده اکسیر العبادات و اسرار الشهادات، مرحوم شیخ آغا فرزند عابد شیروانی مشهور به فاضل دربندی متوفای ۱۱۸۰ از نمونه‌های برجسته علاقه‌مندان ناآگاه به خاندان اهل بیت (ع) است و به انگیزه خیرخواهی، ضربه سنگینی به حادثه کربلا زد و تحریف‌های بسیاری در حادثه مزبور ایجاد کرد. به عنوان نمونه داستان خیال‌پردازانه آمدن زن قاسم به ایران و قضایای دیگر، همه توسط وی از شکل افسانه شفاهی متداول بین مردم به شکل مکتوب درآمد. کتاب وی اثباتی از دروغ و اتهام است.

۶. اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۱۱۶؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۳.

۷. اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۳۵.

۸. معالی السبطين فی احوال الحسن والحسين، ج ۲، ص ۳۸، حاج شیخ محمد مهدی مازندرانی، مکتبه القرشی، تبریز.

علت شایستگی‌هایی که خود از آن برخوردار بودند، از عظمت و بزرگی بسیاری برخوردارند. علاقه‌مندان به این خاندان، این عظمت و بزرگی را پاس می‌دارند و قدر می‌نهند. بدیهی است هر چه عظمت و بزرگی یاد شده، نمود بیشتری پیدا کند برای توجیه علاقه و عشق به اهل بیت (ع) مناسب‌تر است. خردمندان و اهل دانش معمولاً با شناساندن درست ائمه (ع) به تبیین عظمت مزبور دست می‌یازند و بر آن باورند که هر چه خاندان رسول خدا (ص) واقعی‌تر نشان داده شود، پر عظمت‌تر نمود پیدا می‌کند. اما ناآگاهان که معمولاً عظمت و بزرگی را در انجام امور خارق‌العاده و شگفت می‌بینند، در پی جعل داستان‌ها و قصه‌های شگفت و غیر معمول می‌افتند تا از این راه بزرگی و عظمت اهل بیت (ع) را نشان دهند. فرق بین دو گروه را آن داستان مشهور «مار» نوشتاری و «مار» ترسیمی به خوبی نشان می‌دهد. عموم قصه‌هایی که در آن‌ها تصرفات فوق‌طبیعی به امام حسین (ع) و یارانش نسبت داده شد، ساخته و پرداخته این قبیل علاقه‌مندان ناآگاه می‌باشد و با کمال تأسف این گروه از مردم کاری بسیار گسترده انجام داده‌اند. نمونه روشن چنین کاری را باید در کتاب‌هایی چون روضه‌الشهدا<sup>۹</sup> و اسرارالشهدا<sup>۱۰</sup> دید. این قبیل کتاب‌ها هر تاسر دروغ و تهمت است و در آن‌ها گاه قصه‌هایی دیده می‌شود که بسیار از خردمندی به دور است. از این دست قصه‌ها می‌توان به جریان حراست شیر از اجساد شهیدای کربلا پس از عاشورا یاد کرد که به اشکال گوناگون نقل شده است<sup>۱۱</sup> و در پاره‌ای از آنها سازندگان داستان و یا توجیه‌گران آن وقتی به غرابت و شگفتی آن توجه کرده‌اند، یادآور شدند که شیر مزبور، علی بن ابی طالب (ع) است که جهت حراست از اجساد شهدا در چنین شکلی ظاهر شده بود. گویا این افراد از تعبیر اسدالله در حق امیر مؤمنان (ع) به جای معنای استعاری، معنای حقیقی آن را تصور کرده و چنین توجیه نموده‌اند. اینان به پیامدهای منفی چنین توجیهی توجه نکرده‌اند که از اصل جعل داستان، زشت‌تر و ناروا تر است.

نظیر این داستان، قصه‌هایی است که در خصوص شمار کشته‌های دشمن ساخته و پرداخته‌اند. در گزارش، روای شمار کشته‌های

در انتساب شمار کشته ها توسط هر کدام از یاران امام حسین (ع) نقل های نامعقولی وجود دارد که تنها می تواند از ذهن یک شیفته نادان، تراوش کند که در پی ایجاد کرامت و خارق عادت برای محبوبان خود است.

از این دست گزارش ها که ناشی از روحیه کرامت آفرینی و معجزه سازی برای یاران امام (ع) در روز عاشورا است، در کتب مقاتل متأخر و به ویژه آنهایی که در عصر رواج خرافه در دوران حاکمیت صفویه و قاجار تدوین یافته است، بسیار می توان یافت.<sup>۹</sup>

### ۳. کریمه نشان دادن چهره دشمن

هیچ کسی علاقه مند نیست که دشمنش چهره خوبی داشته باشد. هر چه دشمن کریمه تر و زشت تر باشد، دشمنی با او توجیه پذیرتر و مقبول تر است. اگر این دشمن جریانی چون بنی امیه و به ویژه یزید و پیروانش باشند که در شناخت و ستم بارگی کم نظیر بودند، زمینه لازم برای کریمه تر نشان دادن بیشتر نیز وجود دارد. پاره ای از تحریف گران عاشورا با این انگیزه که دشمن را هر چه بیشتر زشت و منفور نشان دهند در مواردی به پر وبال دادن بیشتر به پاره ای از حوادث کربلا پرداخته اند و گاه داستان هایی ساخته و پرداخته اند که شگفت انگیز است. در مواردی از داستان های ساختگی، داستان های دیگری زاینده است که به مجموعه ای سلسله وار از داستان های منفور تبدیل شده است. به عنوان نمونه، از گزارش اسب تاختن بر اجساد شهدای کربلا که گویا اصل داستان هم در منبع معتبری نیامده است، داستان های دیگری جعل شده از قبیل اسبی که از این گروه از اسب ها به مصر منتقل شد و عکس العمل مردم در برابر آن،<sup>۱۰</sup> یا متوسل شدن زینب به سفینه، غلام حضرت رسول (ص) جهت درخواست از شیران بیشه برای حراست از اجساد شهدا<sup>۱۱</sup> و داستان هایی از این قبیل که ظاهراً انگیزه اصلی در ساختن آن ها علاقه به نمایش بیشتر زشتی و قساوت قلب دشمن بود. در حالی که به نظر می رسد اگر حادثه عاشورا برخورد سپاه دشمن با امام حسین (ع) و یارانش درست نقل شود، در نمایش قساوت قلب دشمن و زشتی عمل آنان کافی است و نیازی به ساختن داستان های بیشتر نیست.

انگیزه های تحریف را که آگاهانه انجام گرفته و نیت خیرخواهی در آن ها نبود و نیست، می توان به شرح زیر آورد:

### ۱. پاسخ گویی به مطالبات مخاطبان

این انگیزه مخاطره آمیزترین، ناخالص ترین و پردوام ترین

انگیزه ها است. در انگیزه های گذشته، خلوص و علاقه مندی جوهره آن ها را تشکیل می داد؛ در حالی که در این انگیزه پول پرستی، دنیاخواهی، مریدسازی، ریا و تظاهر اصل و ریشه جعل و دروغ گویی است. توسعه آگاهی و شناخت، انگیزه های گذشته را محدودتر کرده و پی آمدهای آن را از بین می برد؛ در حالی که این انگیزه روز به روز فزون تر می گردد و پر رونق تر می شود. از زمانی که پرداختن به حادثه کربلا به عنوان جریانی پول ساز و کاسب کارانه جلوه کرده است، این انگیزه رونق یافته و تولید دروغ و تحریف به شکل انبوه درآمده است. در این انگیزه کسانی که در شکل مصیبت خوانی به حادثه کربلا می پردازند به اصل حادثه و چگونگی وقوع آن کاری ندارند، بلکه به رضایت خشنودی بنیانگذار مجلس و حاضران در جلسه توجه می کنند. رونق مجلس بن مایه این قبیل روضه خوانی ها است و بدیهی است در دست یابی به این اصل توسل به هر کاری پذیرفتنی می شود و هدف وسیله را تظہیر می کند.

اگر انگیزه های گذشته را به اعتبار «الأعمال بالنیات» قابل دفاع بدانیم و پیرایه بندان به حادثه کربلا را با انگیزه های علاقه مندی، به دلیل معذوریت جاهل سزاوار سرزنش ندانیم، جاعلان به انگیزه پاسخ گویی به مطالبات مخاطبان را که از روی آگاهی و برای دست یابی به دنیا به خاندان پیامبر (ص) دروغ می بندند، به طور قطع باید گناهکار شمرد. گرچه اینان خود را در پناه ذاکر حسین و اهل بیت (ع) بودن، مصون از هر گونه نقدی پندارند، ولی باید بیشترین نقد از کار اینان به عمل آید و دلسوزان به دین و اهل بیت (ع) از اینان اظهار نفرت و تبری کنند؛ زیرا اینان عاشق دنیا و ذاکر مال و اموال هستند و از زشت ترین شیوه کسب درآمد

۹. معالی السبطين فی احوال الحسن والحسين، ج ۱، ص ۲۶۰. در خصوص چگونگی پاره کردن بند قنذاق توسط طفل شیرخوار امام حسین (ع) وقتی که صدای فریادخواهی پدر را شنید. جالب آن است که منبع خبر تصریح می کند که از طریق مکاشفه به چنین مطلبی دست یافته است.

۱۰. مقتل الحسين، المقدم، ص ۳۰۳.

۱۱. المنتخب للطریقی، ج ۲، ص ۳۲۸، اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۳. داستان شیر، از داستان های بسیار خواندنی است و سازنده آن مهارتی به خرج داده است.

پیدا کنند و در اصل حادثه گم می شوند و به دروغ بودن حادثه ای که شنیده آگاهی نمی یابد.

### ج. غیر معمول بودن حادثه

از دیگر علائم این دست از جعل ها شگفتی و غیر معمول بودن حادثه است. این قبیل جاعلان در عین آن که گرفتار فرهنگ زمان خود هستند و حادثه های ساختگی آنان رنگ زمانه دارد، اما اصل و بن مایه داستان از شگفتی و غرابت برخوردار است. اینان می دانند که در ذهن شنوندگان، امام حسین و یارانش از جایگاه بسیار بلندی برخوردارند و قوانین طبیعی و عادی نمی توانند محدودیتی برای آنان فراهم آورند. بنابراین شنوندگان از شنیدن انتساب حوادثی غیر طبیعی و شگفت به آن حضرت و یارانش نه تنها شگفت زده نمی شوند که آن را امری طبیعی و عادی می پندارند و مورد انتظار از چنان شخصیت هایی می دانند. بنابراین برای گرم کردن مجلس و پاسخ به انتظار شنونده، به جعل و انتساب حوادث شگفت و غیر معمول به امام می پردازند.<sup>۱۲</sup>

۱۲. برای نمونه ر. ک: داستان فرشته ای به نام فطرس و توسل او به امام حسین (ع) که به اشکال گوناگون نقل شده است. در بعضی منابع (بشاره المصطفی، ص ۳۲۸، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق. از ابی جعفر طبرسی از علمای قرن ششم) گناه وی تأخیر در انجام مأموریت بود. در بعضی دیگر گناهان (بصائر الدرجات، ص ۶۸) استنکاف از پذیرش ولایت امیر مؤمنان (ع) بود. در جایی غفلت لحظه ای از خداوند را جرم وی دانسته اند، (بهار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۱۳) در منبعی تفکر ناصواب در حق خداوند متعال را سبب میغوضیت دانسته اند (کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۲). اختلافات در گزارش و شکل داستان بیانگر ساختگی آن است که به کتاب های مزبور راه یافته است. یا آمدن همه پیامبران به کربلا و گرفتاری در آنجا و توجه یافتن به حادثه ای که بعداً اتفاق می افتد، جاری شدن خون از پای آدم (بهار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲، معالی السبطين، ج ۱، ص ۷۶؛ منتخب طریقی، ص ۴۸) نوح و تلاطم کشتی (همان منابع) گذر ابراهیم و افتادن از مرکب (همان منبع) گذر اسماعیل در هنگام چوپانی و آب نخوردن گوسفندان از فرات (همان) گذر موسی و یوشع بن نون و پاره شدن بند کفش آنان (همان) گذر عیسی به همراه حواریون و ممانعت شیر از رفتن (همان) گذر سلیمان و فرو نشستن باد حامل قالیچه وی در کربلا (همان) که کذب و ساختگی بودن آن ها کاملاً مشخص است و نیز بازگردان سر امام حسین از کوفه توسط پیامبر (ص) در حضور همه انبیا و اتصال آن به بدن شریف آن حضرت و گله امام حسین (ع) از امت (معانی السبطين، ج ۲، ص ۳۵) داستان آغشته کردن پرندگان بال خود را به خون امام حسین (ع) و رفتن بر بلاد گوناگون جهت خبر رساندن (بهار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۱) و قصه هایی از این دست، همه جعل و خیال پردازی است. گرچه این قبیل داستان ها در گذشته ساخته و پرداخته شده و به کتب شیعه راه یافته است، اما روند مزبور متوقف نشده و این قبیل جعل ها همچنان ادامه دارد.

که دین فروشی است، بهره می گیرند و قطعاً مشحون نکوهش موجود در کسب دنیا به دین قرار دارند. نشانه های این انگیزه را می توان از روش هایی که آنان به کار می برند، به خوبی شناخت. در ذیل به پاره ای از این روش ها اشاره می شود:

### الف. انتساب به منبع غیر قابل دسترسی

این گروه برای فرار از بازخواست منتقدان، معمولاً منبع گزارش خود را، دست نیافتنی می کنند و به گونه ای آدرس می دهند که هیچ کس نمی تواند از منبع نقلشان پرسش کند و از درستی و نادرستی آن اطلاع حاصل کند. در بیان این گروه معمولاً جملاتی به شرح زیر وجود دارد: «شخصی در خواب، معصومی را دید و آن حضرت چنین گفت»، «بزرگی که اهل دل و صاحب کرامت است چنین گفت»: «آقای یا بانویی، شهیدی را در خواب دید که چنان می گفت» «ذاکری چنین نقل کرد»: «در کتابی چنین دیدم»، «علیلی که شفا یافته بود، چنین می گفت»... این گونه مستندسازی، سخن نه قابل اثبات و نه تکذیب است. در این گزاره ها گرچه احتمال بسیار ضعیفی وجود دارد که راست باشد، اما این احتمال قوی هم هست که به طور کامل ساخته و پرداخته گوینده باشد. چه کسی می تواند واقعیت را کشف کند؟

### ب. رنگ روز داشتن حوادث

از آن جایی که انسان تحت شرایط محیط فرهنگی و آداب و سنن زمان خود زندگی می کند، بدیهی است تراوشات ذهن وی نیز رنگ محیط را خواهد داشت و از آن جایی که این قبیل روضه خوانان و مداحان بی سواد و دست کم بی مطالعه هستند و از تاریخ و آداب و سنن و رفتارهای اجتماعی عصر وقوع حادثه اطلاع ندارند، حادثه را با شرایط و ویژگی های زمان خود تصور می کنند و بر اساس آن می سازند. در این قبیل دروغ ها رنگ زمانه بسیار روشن و شفاف است و شنونده اگر تیزهوشی به خرج دهد، خواهد دید که حادثه گویی در اطراف او اتفاق می افتد. گرچه شنوندگان به خاطر شدت علاقه مندی به امام حسین (ع) معمولاً نمی توانند به معرفت درجه دومی درباره حادثه نقل شده، دست

### د. غوغاسالاری

یکی از ویژگی‌های این نوع جاعلان، غوغاسالاری است. اینان برای پیش‌گیری از افشای جعل و تزویری که در سخنانشان وجود دارد، معمولاً مخالفان خود را متهم به عدم عشق و علاقه به اهل بیت (ع) می‌کنند. غوغاسالاری به راه می‌اندازند و جو را چنان آشفته می‌سازند که کسی جرأت برملا ساختن دروغ‌ها و تزویرهایشان را پیدا نکند. اینان خود را عاشق و ذاکر اهل بیت (ع) می‌شمارند و هر کس را که با گفته‌های آنان مخالفت ورزد، به فقدان عشق و ولایت اهل بیت (ع) منتسب می‌سازند. بدگویی و تهمت زدن کار شایع این قبیل دروغ‌پردازان است. به واقع اینان برای حراست از رونق بازار دین‌فروشی خود تلاش می‌کنند و کار خود را در راستای عشق به خاندان پیامبر (ص) قلمداد کرده، هر کس را که به برهم زدن بازار آنان دست یازید مخالف خاندان اهل بیت (ع) می‌شمارند.

این‌ها پاره‌ای از نشانه‌های این قبیل تحریف‌گران حادثه کربلا هستند که روز به روز بیشتر می‌شوند و همواره به تحریف حادثه عاشورا می‌پردازند.

### ۲. رقابت و همچشمی

با تبدیل شدن جریان مصیبت‌خوانی و مداحی به حوزه هنرنمایی و قهرمانی در دهه‌های اخیر متأسفانه آفت جدیدی به عنوان رقابت و همچشمی در مداحی و روضه‌خوانی دام‌نگیر حادثه کربلا گشته است. گروهی از مداحان، مجالس ذکر مصیبت و مداحی را میدان رقابت و زورآزمایی تصور می‌کنند و نشان قهرمانی و پیروزی در این میدان گریاندن فزون‌تر مستمعان و گرم کردن مجلس است. در دست‌یابی به قهرمانی در این میدان افزون برداشتن صدای گیرا و اطلاع از فنون تأثیرگذاری بیشتر، نقل داستان‌های تازه و بکر نقش جدی دارد. از این روی گروهی از مداحان برای گرم کردن مجلس خود، روضه‌های جدیدی می‌سازند که بن‌مایه آن‌ها دروغ و جعل است. روضه جدید اصطلاحی شایع بین مداحان است که گاه با ترکیب چند قصه به وجود می‌آید و زمانی با تغییر شکل دادن یک داستان ایجاد می‌شود. انتساب به منبع غیر قابل دسترس معمولاً در این نوع روضه‌ها نمود بیشتری پیدا می‌کند. بدیهی است هر چه رونق بازار روضه‌خوانی بیشتر شود، خلق روضه‌های جدید و در نتیجه بستن دروغ‌های فزون‌تر بر حادثه کربلا زیادتر می‌گردد. تأسف در این است که دین‌داران و متولیان مسائل شرعی

جامعه در برابر سیل خلق روضه‌های جدید عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند. ترس از غوغاسالاری روضه‌خوانان حرفه‌ای و واهمه از اتهام عدم عشق و علاقه به ولایت اهل بیت از جمله عوامل بی‌تفاوتی دین‌داران در برابر این سیل اتهام به اهل بیت و دروغ بستن به امام حسین (ع) و یاران آن حضرت است.

### راه‌های سنجش گزارش‌ها

دین‌داران و علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) نه تنها از شیوع دروغ و تحریف داستان کربلا خشنود نیستند که بسیار در رنج می‌باشند و سکوت آنان به هیچ وجه نشان رضایت نیست، بلکه همان‌گونه که یادآور شدیم ترس از غوغاسالاری عامل عمده در سکوت دین‌داران می‌باشد. در فراروی دین‌داران، راهی جز آن نیست که جامعه را آگاه سازند و از تبدیل شدن حادثه کربلا به ابزار تجارت پاره‌ای دنیا طلب پیش‌گیری کنند. یکی از روش‌های تحقق چنین امری، ارائه روش‌های سنجش گزارش‌ها و دست‌یابی به حقیقت امر است.

روش‌های سنجش حوادث به طور عمده در دو بخش بررسی‌های سندی و تحقیقات متنی جای می‌گیرند که در ذیل توضیحی ارائه می‌شود:

### ۱. بررسی‌های سندی

هر حادثه یا سخن تاریخی را گروهی از مردم به صورت پیوسته از همدیگر نقل کرده و از نسلی به نسل دیگر رسانده‌اند. در میان ناقلان افرادی راستگو، دقیق، متعهد و پر حافظه وجود داشت و نیز افرادی دروغگو، نامتعهد، سهل‌انگار و کم حافظه یافت می‌شد. دست‌آورد تلاش گروه نخست احادیث و گزارش‌هایی قابل اعتماد و راست و محصول کوشش گروه دوم مجموعه‌ای از گزارش‌های دروغ، مغشوش، غیر قابل اعتماد و ضعیف است. برای دست‌یابی به واقعیت حادثه کربلا و سخنان اهل بیت (ع) و رفتار و کردار آنان در جریان مزبور و نیز عملکرد دشمن و چگونگی برخورد آنان با قیام امام حسین (ع) باید از بررسی سندی گزارش‌ها غافل نباشیم. بررسی سندی گزارش‌های عاشورا چندین جدی گرفته نمی‌شود و شمار اندکی به این مهم

در به کارگیری روش عقلایی و آموزه های دینی سرآمدترین آنان به شمار می آیند، در بررسی و دست یابی به واقعیت می تواند کارایی خوبی داشته باشد و انتساب های غیر واقعی را کشف کند. از جمله روش های کارآمد در نقد متن عبارتند از:

### ۱. سنجش با مذاق دین

هر دین و آیینی مذاق و طبیعت خاص خود را دارد. ۱۴ خمیرمایه پاره ای از ادیان عشق و محبت و پاره ای دیگر عقل و خرد و گروهی از ادیان مجموعه ای از عشق، محبت، خرد و کرامت است. پیشوایان و متولیان دین، کاری برخلاف مذاق دین انجام نمی دهند و راهبردهای دینی را همواره در زندگی و رفتار خود اعمال می کنند. دست اندرکاران پژوهش در امر دین با مطالعه و پژوهش می توانند به مذاق و طبیعت دین دست پیدا کنند و آن را مبنایی برای سنجش گزارش های دینی قرار دهند.

در دین اسلام که عزت و کرامت انسانی، بن مایه دین است، نمی توان گزارشی از زندگی پیشوای دینی را که در بردارنده ذلت و خواری پذیری است، گزارش درست شمرد و یا گزارشی را که برخوردار از غلوی باشد، نمی تواند در حق امامی صحیح باشد؛ زیرا از آموزه های جدی اسلام میانه روی و اعتدال است.

### ۲. سنجش با منش پیشوایی

پیشوایان دینی ما از روش و منش خاصی برخوردار بودند. آنان تلاش می کردند همه رفتار و گفتار و کردارشان طبیعی و قابل پیروی برای اتباعشان باشد. فرق عمده بین پیشوایان دینی با معدود افراد دیگری که به گونه ای از قدرت فوق طبیعی برخوردار بوده و یا هستند در همین نکته نهفته است که پیشوایان دینی از قدرت مزبور یا به طور کلی بهره نمی گرفتند و یا در حد ضرورت و برای اثبات حجیت و اعتبار خودشان به عنوان امام و پیشوا چنین کاری را لازم می دیدند و این امر معمولاً برای مخاطبانی بود که از طریق گفتار و استدلال واقع را درک نمی کردند. منش

پرداخته اند و بسیاری از پژوهشگران حوزه دین این حادثه را که در ساختن فرهنگ و رفتارهای اجتماعی، نقش جدی دارد، به مقدار احکام فردی و جزئی دارای اهمیت نمی دانند و راه کارهایی را که در فقه و در فرایند استنباط احکام به کار می گیرند، در شناخت حادثه کربلا از آن ها استفاده نمی کنند. بی توجهی به مقوله بررسی سندی حادثه کربلا، راه را برای دروغ گویان و غالیان باز گذاشته و تحریف و دروغ چهره حادثه کربلا را دگرگون کرده است. این بی توجهی در درازمدت آثار زیان باری به جای خواهد گذاشت و با توجه به روند نقد و بررسی که کم کم همه حوزه های معرفت بشری را زیر سیطره خود درمی آورد و نیز خروج عملی ابزار ارتباط جمعی از کنترل و نظارت، ترس از آن است که گسترش دروغ ها و پیرایه ها موجب کم اعتبار شدن و کم تأثیر شدن اصل حادثه گردد. راه پیش گیری از زیان های محتمل بررسی اسنادی حادثه کربلا و زدودن سره از ناسره است و در این راه نباید از خشم و ناراحتی مشتکی افراد سودجو که دین را ابزار دست یابی به دنیا قرار داده اند و اهمه ای داشت. بررسی سندی گزارش ها می تواند بخش مهمی از تحریفات و گزارش های ساختگی را کنار نهد؛ زیرا قسمت عمده حوادث ساختگی پیرامون جریان کربلا در قرون متأخر ساخته و پرداخته شده است و در کتب قدما اثری از آنها دیده نمی شود و عموماً فاقد سند هستند. ۱۳

### ۲. بررسی های متنی

پس از انجام بررسی های سندی و تصفیه حادثه کربلا از گزارش های نادرست، باقی مانده گزارش ها را باید از طریق بررسی متنی مورد پژوهش قرار داد. بررسی های سندی به تنهایی برای جدایی سره از ناسره کافی نیست چون افرادی وجود داشتند که حوادث ساختگی را به اشخاص مورد اعتماد و وثوق نسبت می دادند و با بهره گیری از اعتبار آنان حوادث ساختگی را به عنوان حادثه ای واقعی قلمداد می کردند. از این رو افزون بر نقد سندی باید به تحلیل متنی نیز پرداخت. نقد متن چون برگرفته از روش عقلایی است و با آموزه های واقعی دین هم آهنگ می باشد و ائمه معصوم (ع) به اعتبار آن که عاقل ترین مردم روزگار بودند و

۱۳. بعضی از سازندگان قصه ها به مجعول بودن آن ها اعتراف کرده اند و در عین حال آن را نقل می کنند (اسرار الشهادت، ج ۲، ص ۳۰۵)

۱۴. بعضی از داستان ها با سلمات شرع نیز منافات دارد، ولی آن ها را نقل می کنند. به عنوان نمونه سر برهنه بیرون آمدن زنان حرم (نورالعین فی شهد الحسین، ص ۵۱؛ مقتل المغرم، ص ۲۸۳؛ معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۵۵ و...) جریان دست کشیدن امام حسین به سر و صورت دختر مسلم بن عقیل که در آن موقع سیزده سال داشت (ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۵)

امامان معصوم (ع) همچون پیامبر (ص) در ابراز توانمندی از طریق کلام و استدلال بود و نه به کارگیری کرامت و یا معجزه و کار خارق عادت.

تصرف در کائنات را هیچ دانشور بزرگی به عنوان معجزه اصلی پیامبر (ص) یاد نکرده است، بلکه همه بر این اتفاق دارند که معجزه اصل و جاودانه پیامبر (ص) معجزه کلامی-بیانی است. زیرا معجزه خارق عادت و تصرف در کائنات مخصوص جمع هایی است که از توان فکری و رشد عقلی بالایی برخوردار نیستند و بیش از آن که به خرد و فهم خود تکیه کنند، به دیده و حس خود اعتماد دارند. امامان معصوم نیز همواره بر عقل و استدلال تکیه می کردند و کمتر دست به دامن تصرف در کائنات می شدند. بنابراین نقل هایی که در حادثه کربلا مبتنی بر بهره گیری از قدرت فوق بشری است با منش و روش پیشوایان دین سازگار نیست و نمی تواند قابل دفاع باشد. صحت این نوع نقل ها در خصوص یاران امام حسین (ع) از تردید بیشتری برخوردار است چون ثبوت قدرت فوق بشری برای منسوبان ائمه (ع) مورد پذیرش دانشوران و عالمان بزرگ نیست و اگر اندکی از افراد هم چنین باورهایی داشته باشند، به حتم باور آنان از دقت و اعتبار برخوردار نمی باشد.

### ۳. سنجش باخرد انسانی

پیشوایان دینی خردمندترین افراد جامعه بودند و رفتارهای ناخردمندانه از ساحت آنان به دور بود. بنابراین خردمندانه یا غیر خردمندانه بودن گزارش ها را می توان یکی از روش های خوب و کارآبرای شناخت واقع از غیر واقع به کار گرفت. در گزارش حادثه کربلا نقل هایی دیده می شود که انجام آن از افرادی که از حداقل عقل و خرد برخوردار هستند، بسیار بعید می نماید، چه رسد به پیشوای معصوم و یاران وی که خردمندترین افراد جامعه خود بودند. گفت و گوهایی که برای آن حضرت و یا دیگر یاران آن حضرت با اسب هایشان نقل شده و یا تعارف های مسخره ای که در آب خوردن از فرات بین آنان و اسبان نقل شده است،<sup>۱۵</sup> با هیچ عقل و منطقی سازگار نیست و نقل این قبیل افسانه ها اهانت به مقام امامت و یاران باوفای آن حضرت است. همچنین افسانه راهی کردن شهربانو و عروس قاسم به وسیله اسب به ایران و به دنیا آوردن فرزند قاسم در ایران و گم شدن شهربانو در کوه های البرز<sup>۱۶</sup> و مطالبی از این دست، همه ساخته و پرداخته ذهن های بیمار است و هیچ ربطی به حادثه کربلا ندارد. از این دست نقل های نابخردانه در گزارش های پیرامون حادثه کربلا بسیار وجود

دارد که باید خوانندگان این گزارش با به کارگیری خرد، آنها را تصفیه کرده و به کنار نهند و چهره واقعی حادثه کربلا را نشان دهند.

### ۴. بررسی پی آمدها و لوازم

در پاره ای از گزارش های ساختگی، سازندگان تنها به اصل داستان ساختگی اندیشیده و از پی آمد و لوازم جانبی داستان غافل گشته اند. هر حادثه ای پی آمد و لوازم خاص خود را دارد. پاره ای از این لوازم به قدری جدایی ناپذیر از واقعیت ها هستند که با هیچ استدلالی نمی شود جدایی آن ها را اثبات کرد. هنگامی که در حادثه کربلا از شمار غیر معقول کشته ها سخن گفته می شود، باید فکری هم برای وسعت زمانی آن کرد، و یا اندیشه ای در خصوص قدرت و توان بدنی برای تحقق چنین شمار کشته هایی نمود. برای پی آمد بیماری ها و عفونت های منطقه ای فکری کرد، برای چگونگی فراهم آوردن چنان شماری از نیروی انسانی راه کاری ارائه کرد. آثار منفی خروج آن همه نیرو از گردونه فعالیت های اقتصادی را دید؛ با توجه به آگاهی دشمن از شمار یاران و همراهان امام حسین (ع)، توجیه نظامی دشمن در ارسال آن همه نیرو را لحاظ کرد و ده ها پرسش بی جواب دیگر که می تواند در کنار چنین گزارش هایی از کشته ها<sup>۱۷</sup> مطرح کرد.

۱۵. نور العین فی مشهد الحسین، ص ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۱.

۱۶. اسرار الشهادات، ص ۴۶۴، چاپ قدیم. این داستان به قدری مضحک است که در چاپ جدید آن علی رغم حفظ بسیاری از تحریفات مربوط به عاشورا، حذف شده است.

۱۷. مرحوم نوری در این خصوص سخن زیبایی دارد: «اگر علاوه بر آن، مضمون آن خبر بی پایه خلاف امور عادی باشد و به حسب عادت نشود آن را باور کرد. مثل آن که عدد لشکر مخالفین قریب پانصد هزار نفر بود بلکه ششصد هزار سواره و دو کروره [هر کرور پانصد هزار] پیاده و در آن ها مطابق خبر معتبر، شامی و حجازی نبود و همه از کوفه بودند و حال آن که تهیه چنین عسگری برای شداد و نمرود و در مدت طولانی میسر نبود، چگونه در ظرف چند روز برای پسر مرجانه که هنوز استقرار تام پیدا نکرده بود، میسر می شد! مصارف عسکر و جمع آوری ماکول و علوفه دواب و حفظ آن ها نیز به حسب عادت محال است. البته سستی و ضعف به غایت خواهد رسید». چشم اندازی به تحریفات عاشورا (لؤلؤ و مرجان، ص ۲۸۹) به تحقیق و تعلیق مصطفی درایتی، انتشارات احمد مطهری، قم، ۱۳۷۹.



به عصر دیگر تفاوت های جدی دارد. آگاهی و اطلاع از عرف هر عصر و روزگاری به ما این امکان را می دهد که گزارش های مربوط به حوادث آن عصر را خوب بشناسیم و درستی و نادرستی آن را کشف کنیم. سازندگان گزارش های نادرست از آن جایی که تحت شرایط و عرف خاص زمان خود زندگی می کردند، به طور طبیعی از پیرایه های متناسب با حوادث عصری که از آن گزارش می دهند، غافل می گردند و در نتیجه حادثه ها را به تناسب عرف عصر خود می سازند.<sup>۲۰</sup> از آنجایی که سازندگان گزارش های دروغ درباره حادثه کربلا معمولاً افرادی کم سواد و دست کم، کم اطلاع از تاریخ صدر اسلام بودند، داستان پردازی های خود را به گونه ای تنظیم کردند که با اندکی دقت و ظرافت می توان جای پای این قبیل اختلاف های عرفی را در آن ها دید و شناسایی کرد. پژوهشگران حوادث کربلا برای بهره گیری از این روش، باید افزون بر اطلاع و آگاهی از عرف عصر امام حسین (ع) از عرف دوره صفوی و تا حدودی قاجاری هم اطلاع داشته باشند؛ چون تحریفات عمده در این دو دوره انجام یافته است و تحریفات معمولاً رنگ و بوی صفوی و قاجاری دارد.

این شماری از روش هایی است که با به کارگیری آن ها می توان متن گزارش ها را نقد کرد. البته همه روش ها نیست، بلکه تعدادی از آسان ترین روش ها می باشد.



۱۸. المنتخب للطریقی، ص ۴۵۵.

۱۹. از همین روش می توانیم برای نادرستی داستان مشهوری که می گوید علی (ع) حضرت عباس و زینب را در کودکی در دو سوی خود نشانده بود و زینب (س) از چگونگی جمع دوستی فرزند و خدا در یک قلب سؤال کرد (مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۲۲) استفاده کرد؛ زیرا هنگام تولد ابوالفضل زینب نزدیک به بیست سال داشت. و یا جریان گریستن ام البنین در شهادت حضرت عباس و برادرانش که در گذشت ام البنین قبل از این تاریخ نادرستی گزارش را اثبات می کند.

۲۰. به عنوان نمونه روضه مشهوری که درباره امام حسین (ع) و حضرت عباس می خواند مبنی بر آن که روزی در حین سخنرانی علی (ع) در کوفه امام حسین (ع) آب خواست و عباس که کودک بود دوید و آب آورد و سقا نامیده شد. این داستان با توجه به عرف روزگار متأخر، ساخته شده و سازنده توجه نداشت که امام حسین (ع) در آن وقت حدود سی سال داشت و مفهوم ندارد که در یک سخنرانی رسمی، مردی سی ساله آب بخواند و کودکی برای آوردن آن برود.

بنابراین خوانندگان گزارش های حادثه کربلا برای دست یابی به درستی و نادرستی هر گزارشی باید آن را با پی آمدها و لوازم آن بسنجند و اگر هماهنگی و تناسبی بین گزارش و پی آمدها ندیدند در صحت گرایش تردید کنند.

### ۵. سنجش بین گزارشی ها

هر گزارشی از حادثه کربلا، اگر بریده از دیگر گزارش ها در نظر گرفته شود، ممکن است ما را در اشتباه افکند؛ زیرا گزارش ها در کنار هم می توانند پازلی را تشکیل دهند که در نهایت، نمایی از حادثه کربلا را نشان دهد و اگر این قطعه های پراکنده در کنار هم چیده نشود، به حتم نمی توان نمایی کامل از حادثه را دید. وقتی قطعه ها در کنار هم در نظر گرفته شود، هم قطعه های ناخوان کشف می شود و هم بخش های افتاده به دست می آید و از همه مهم تر، قطعه های ناقص معلوم می گردد. با این روش می توان درست را از نادرست و سره را از ناسره کشف کرد.

به عنوان نمونه، وقتی گزارشی می گوید امام زین العابدین (ع) در کربلا کودکی<sup>۱۸</sup> بیش نبود و گزارش دیگری یادآور می گردد که وی در همان وقت، ۳۳ سال داشت و دارای فرزند بود و یا در کوفه و شام به سخنرانی پرداخت، در جمع بین گزارش ها نوعی تناقض می بینیم. بدیهی است که یکی از این گزارش ها نادرست است و از آنجایی که سخنرانی آن حضرت، مسلم است و فرزند داشتن آن حضرت محرز می باشد، طبیعی است گزارش کودک بودن وی در کربلا نباید درست باشد. بنابراین سنجش بین گزارش ها و در کنار هم چیدن قطعات تاریخی می تواند کمک خوبی در شناخت سره از ناسره و درست از نادرست<sup>۱۹</sup> باشد.

### ۶. مخالفت با عرف زمانه

هر عصری، عرف و روش خاص خود را دارد. نوع گفتگو، معاشرت، خانواده، احترامات، آداب و سنن، برخوردهای اجتماعی، پوشش و دیگر نمودهای اجتماعی هر عصری نسبت